

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی اجمالی
نهادهای تعلیق اجرای مجازات
و تعویق صدور حکم

[در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲]

مؤلفان:

محمد اکبری (مدرس دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی)

مهدی فلامرزی جهرمی

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۶

سرشناسه	: اکبری، محمد، ۱۳۶۶ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی اجمالی نهادهای تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم/ مولفین محمد اکبری، مهدی فلامرزی جهرمی؛ [به سفارش] موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۲۵-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
موضوع	: تعلیق مجازات -- ایران
موضوع	: Suspension of punishment (Criminal law) -- Iran*
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	: فلامرزی جهرمی، مهدی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ب۴ الف/۷۳۰/ KMH۴۸۳۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۷۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۶۰۱۳۲

نام کتاب	: بررسی اجمالی نهادهای تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم
ناشر	: چتر دانش
مؤلفان	: محمد اکبری - مهدی فلامرزی جهرمی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۶
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۲۵-۷
قیمت	: ۵۵۰۰۰ تومان

خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خ فخررازی، نبش کوچه انوری، پ ۲۷

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم بہ
روان پاک شہدای مدافع حرم

و
والدین عزیزمان

فهرست

مقدمه	۸
بخش اول: تعلیق اجرای مجازات در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....	۱۰
فصل اول: بررسی تعلیق مجازات، اهداف و آثار	۱۰
مبحث اول: تعلیق اجرای مجازات	۱۰
گفتار اول: تعریف تعلیق در اجرای مجازات.....	۱۱
بند اول: تعریف لغوی تعلیق	۱۱
بند دوم: تعلیق در اصطلاح حقوقی.....	۱۲
بند سوم: تعلیق اجرای مجازات از دیدگاه حقوق دانان	۱۵
بند چهارم: تفاوت تعلیق مجازات با آزادی مشروط و تخفیف مجازات در حقوق ایران.....	۱۶
گفتار دوم: پیشینه‌ی تعلیق	۲۰
بند اول: تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران.....	۲۰
بند دوم: تعلیق مجازات در کشورهای مختلف	۲۲
گفتار سوم: انواع تعلیق اجرای مجازات.....	۲۵
بند اول: تعلیق ساده	۲۵
بند دوم: تعلیق مراقبتی	۲۸
الف- تعلیق مراقبتی در دنیا	۳۳
ب- ویژگی‌های مفهوم تعلیق توأم با مراقبت	۳۶
گفتار چهارم: مبنای قانونی و حوزه شمول آن	۳۸
گفتار پنجم: خصوصیات تعلیق مجازات	۳۹
مبحث دوم: شرایط و آثار تعلیق	۴۰
گفتار اول: ماهیت حقوقی تعلیق	۴۰

- بند اول: تعلیق به عنوان یک برائت مشروط..... ۴۲
- بند دوم: نسبت تعلیق و عفو عمومی ۴۳
- بند سوم: تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط ۴۴
- گفتار دوم: فلسفه و فایده‌ی تعلیق اجرای مجازات ۴۵
- گفتار سوم: شرایط اعطای تعلیق مجازات..... ۴۷
- بند اول: شرایط ماهوی ۴۸
- بند دوم: شرایط شکلی..... ۵۱
- گفتار چهارم: بررسی آثار تعلیق..... ۵۴
- بند اول: آثار تعلیق نسبت به محکوم‌علیه..... ۵۴
- الف- عدم اجرای مجازات ۵۴
- ب- زوال پیشینه‌ی کیفری ۵۶
- بند دوم: آثار تعلیق نسبت به مراجع دادگستری..... ۵۷
- الف- آزاد کردن محکوم‌علیه از زندان..... ۵۷
- ب- پاک‌شدن سجل کیفری ۵۸
- گفتار پنجم: اهداف تعلیق مجازات..... ۶۲
- گفتار ششم: قلمرو تعلیق ۶۶
- بخش دوم: تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲... ۷۰**
- فصل اول: مفهوم تعویق صدور حکم ۷۰
- گفتار اول: نحوه‌ی شکل‌گیری نهادهای جزایی تعدیلی..... ۷۰
- گفتار دوم: تاریخچه و فلسفه‌ی نهاد تعویق صدور حکم و حوزه‌ی شمول آن ۷۲
- گفتار سوم: تعریف تعویق صدور حکم ۷۴
- بند اول: تعریف لغوی واژه‌ی تعویق..... ۷۴
- بند دوم: تعویق صدور حکم در اصطلاح حقوقی ۷۴

- بند سوم: بررسی مفاهیم مشابه..... ۷۷
- گفتار چهارم: مبانی نهاد تعویق صدور حکم در قانون جدید مجازات اسلامی..... ۸۳
- بند اول: مصالح فردی..... ۸۳
- بند دوم: مصالح عمومی..... ۸۴
- بند سوم: عنصر طریقت..... ۸۴
- گفتار پنجم: انواع تعویق مجازات..... ۸۷
- بند اول: تعویق ساده..... ۸۷
- بند دوم: تعویق آزمایشی یا مراقبتی..... ۸۸
- الف- تدابیر مراقبتی اجباری..... ۹۰
- ب- تدابیر مراقبتی اختیاری..... ۹۱
- مبحث دوم: نحوه‌ی اعمال تعویق مجازات در قانون مجازات اسلامی..... ۹۲
- گفتار اول: اجرای تعویق مجازات..... ۹۲
- گفتار دوم: طبقه‌بندی مجازات‌های تعزیری..... ۹۴
- گفتار سوم: شرایط تعویق صدور حکم..... ۹۶
- گفتار چهارم: اعمال قرار تعویق و ضمانت اجرای آن..... ۱۰۰
- بند اول: افزایش مدت تعویق (ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورهای دادگاه)..... ۱۰۱
- بند دوم: لغو قرار تعویق..... ۱۰۲
- بند سوم: انقضای مدت تعویق..... ۱۰۳
- گفتار پنجم: ممنوعیت از تعویق صدور حکم..... ۱۰۴
- فهرست منابع..... ۱۰۶**

مقدمه

در طول تاریخ حقوق کیفری ایران برای فردی کردن مجازات، نهادهای مختلفی از جمله تعلیق اجرای مجازات، اعمال تخفیف، تبدیل مجازات، آزادی مشروط و... وجود داشته است. یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات که مورد نظر و قبول علمای متأخر حقوق قرار گرفته، اصلاح و تهذیب مجرم از اعمال مجازات است و به تعبیری دیگر بازگرداندن مجرم به اجتماع و اجتماعی ساختن اوست؛ پاره‌ای از صاحب‌نظران علم حقوق معتقدند که در پاره‌ای از موارد و راجع به عده‌ای از بزه‌کاران، شایسته است که اجرای مجازات تحت شرایطی معلق گردد.

به‌طور کلی، وارد شدن نظام تعلیق مجازات در قوانین جزایی را باید نتیجه‌ی تأثیر مطالعات جرم‌شناسی دانست. امروزه اکثر حقوق‌دانان معتقدند که هدف از اجرای مجازات، صیانت جامعه در قبال ارتکاب مجدد جرم از طرف مجرم و اصلاح او و به تعبیری دیگر دوباره اجتماعی ساختن مجرم است. اغلب حقوق‌دانان (اغلب کارشناسان) و جرم‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که گرچه سلب آزادی مجرم به عنوان یک مجازات ضروری است، ولی برای اصلاح و تربیت او کافی نیست.

علاوه‌براین، مضار زندان‌های کوتاه مدت در اکثر موارد آشکار شده و نه تنها این مجازات‌ها نمی‌تواند مؤثر در تهذیب اخلاقی و بهبود وضعیت او مؤثر باشد، بلکه غالباً اثرات سوء به دنبال دارد؛ چرا که مجرم در اثر تماس با محیط نامناسب زندان و معاشرت و مصاحبت با تبهکاران حرفه‌ای، فاسدتر خواهد شد.

از طرف دیگر، شخص مرتکب جرم، حرفه و شغل معین خود را از دست می‌دهد و این امر باعث استیصال خانواده و تحمل مخارجی بر عهده‌ی دولت خواهد گردید. تعویق صدور حکم نیز تأسیس دیگری است که در فضای تقنینی ایران مطرح شده است، این نهاد، جدیدترین

ابزار برای برخورد مناسب فردی با هر شخص خطاکار کیفری است که در حقوق کیفری ایران فاقد پیشینه است. تهیه‌کنندگان قانون مجازات اسلامی، به‌منظور برخورداری هرچه بیشتر نظام کیفری ایران از نهادهای فردی‌کردن، تعویق صدور حکم محکومیت کیفری، در جرایم مستوجب تعزیر را برقرار کرده‌اند.

بخش اول: تعلیق اجرای مجازات در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

فصل اول: بررسی تعلیق مجازات، اهداف و آثار

مبحث اول: تعلیق اجرای مجازات

در اثر تحولاتی که در چند قرن اخیر در جوامع پیشرفته پدیدار گردید ملاحظه می‌شود که مبانی حقوق قضایی از نظر اهمیتی که جامعه برای اجرای مجازات ملحوظ می‌داشت نیز دستخوش تغییر و تبدیل شده و اساس و پایه‌ی اعمال مجازات در قرن حاضر با آنچه که در قرون گذشته به آن نگریسته می‌شد تفاوت کلی یافته است. مباحث جامع این تفاوت‌ها در بحث مکتب شناسی عنوان شده است که به‌منظور پرهیز از اطاله‌ی کلام از بیان آن‌ها خودداری می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که امروزه مجرم را بیشتر یک بیمار اجتماعی تلقی می‌کنند تا یک عنصر فاسد و ضد اجتماعی. بر اساس این طرز تفکر است که آن اعتقادی که در قرون گذشته نسبت به اجرای عدالت در اعمال مجازات مطرح بود دیگر وجود ندارد و کمتر کسی است که بزه‌کار را صددرصد مسئول اعمال و رفتار ضد اجتماعی خود دانسته و به‌طور کلی او را در ارتکاب جرم، از تأثیر و نفوذ محیط مستثنی و مبرا بداند. با توسعه و نفوذ این طرز تفکر و با شناخت بهتر بزه‌کار و بزه‌کاری بر اساس مبانی نوین حقوق جزایی و جرم‌شناسی، فلسفه‌ی مجازات نیز تغییر کلی پیدا کرده و آن را بیشتر عاملی برای اعاده‌ی نظم جامعه و تربیت و اصلاح و درمان بزه‌کار می‌دانند تا تظاهری از انتقام، ارباب یا اجرای عدالت.

با تغییر فایده‌ی مجازات، هدف از مجازات نیز لاجرم تغییر می‌کند و برای هدف جدید، مجازات‌های جدید یا طرق جدید پیش‌بینی می‌شود. در مسیر این طرز تفکر و این تحول بوده است که عده‌ای از علمای حقوق جزایی و جامعه‌شناسان به این فکر افتاده‌اند که شاید بهتر باشد در پاره‌ای

از موارد اجرای مجازات موقتاً معلق بماند و این مجازات اجرا نشود؛ مگر آنکه محکوم علیه، خود را با شرایطی که به وسیله‌ی قانون گذار و محکمه برای استفاده‌ی او از تعلیق مقرر داشته‌اند منطبق نسازد و در جهت خلاف آنچه که برای او مقرر شده‌است گام بردارد. این تأسیس حقوقی که آن را «تعلیق اجرای مجازات» می‌نامند از زمان تدوین قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در حقوق جزایی ایران راه یافته است و بعد از انقلاب نیز مقنن اسلامی آن را در قانون مجازات اسلامی طرح نموده است.

گفتار اول: تعریف تعلیق در اجرای مجازات بند اول: تعریف لنوی تعلیق

تعلیق در لغت به معنای بلا تکلیف نهادن یک کار است، به طوری که نفیاً یا اثباتاً راجع به آن تصمیم گرفته نشده باشد. امر معلق، از آن حیث که معلق است، نه معدوم کامل است و نه موجود کامل؛ بلکه وجودی است ناقص. مثلاً کارمند معلق از خدمت، عنوان کارمند را دارد ولی یک کارمند کامل نیست.

در ترمینولوژی حقوق، تعلیق را چنین تعریف کرده‌اند: هرگاه مجرم محکوم، سابقه‌ی ارتکاب جرم نداشته باشد، به او اخطار می‌شود که هرگاه بعداً مرتکب جرم جدیدی نشود، حکم فعلی هم تا هنگامی که جرم جدیدی مرتکب نشده به مرحله‌ی اجرا در نمی‌آید؛ وگرنه در صورت ارتکاب به جرم دیگر، هر دو مجازات در حق او اجرا خواهد شد. این را تعلیق مجازات گویند که در حقیقت تعلیق اجرای مجازات است. تعلیق در فرهنگ‌های حقوقی فارسی انگلیسی با این ترجمه آمده است. تعلیق (abeyance/probate/suspention)، تعلیق اجرای مجازات (suspension of punishment to grant a respite)، معلق کردن (suspend)، معلق (suspender)، در حال تعلیق (suspensive)، موجب تعلیق (suspensor)، تعلیق مراقبتی (probation).

بند دوم: تعلیق در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح، تعلیق مجازات، به معنای این است که مجازات مجرمی را موقتاً و برای زمان محدودی که مشخص است اجرا نکنند. این موضوع از نظر قانونی دارای شرایط خاصی است که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی از ماده‌ی ۴۶ الی ۵۵ شرایط آن را بیان کرده است.

عمده هدف قانون‌گذار از بیان چنین عنوانی در قانون، به نوعی، دادن یک مهلت به مجرم است که به مجازات‌های تعزیری محکوم شده است تا اگر در مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نشود و از دستوره‌های دادگاه در این مدت تبعیت کند محکومیت او منتفی شود تا بتواند دوباره به جامعه و حالت اولیه‌ی زندگی خود باز گردد.

از جمله یکی از شرایطی که قاضی صادرکننده حکم می‌تواند برای مدت زمانی اجرای حکم را به حالت تعلیق در آورد این است که جرم از جرایم تعزیری درجه سه تا هشت باشد. جرایم **تعزیری** به جرایمی گفته می‌شود که از طرف قانون‌گذار کشور اسلامی تدوین شده باشد و در مقابل جرایم **حدی** و شرعی است که خداوند متعال آن را تشریح کرده است. به این معنی که اگر کسی مرتکب جرایم حدود الهی مانند: شرب خمر، سرقت حدی، زنا و ... گردید این جرائم قابلیت تعلیق را ندارد و حد جرم باید در مورد شخص مرتکب اجرا شود.

آن دسته از جرایمی قابلیت تعلیق دارند که غیر از جرم‌های حدود الهی باشد و از دسته‌ای باشد که قانون‌گذار کشور اسلامی بنا به شرایط و قوانین خود آن را مدون نموده است. و این موضوع بنا به نظر قاضی صادرکننده حکم و شرایط مجرم بستگی دارد که آیا تعلیق حکم شامل چنین مجرمی می‌گردد یا خیر؟

یکی دیگر از شرایط تعلیق حکم این است که جزای نقدی قابل تعلیق نیست. در زمانی که حکم جزایی به تعلیق در می‌آید شخص مجرم باید

تا زمانی که از طرف دادگاه مشخص می‌گردد دچار جرم و موارد خلاف قانون نگردد، تا این زمان سپری گردد و اگر دوباره طی این مدت مرتکب جرمی شود مجازات معلق لغو و شخص مرتکب، به مجازات قانونی خود خواهد رسید.

با نگاه اجمالی به نظام جزایی در مقام اعمال مجازات‌ها، با دو گروه از مجرمین مواجه هستیم که هر یک مجازات متناسبی را اقتضا می‌کند. گروه اول مجرمینی هستند که برحسب اتفاق در مقام ارتکاب جرم قرار می‌گیرند. یعنی این دسته از مجرمین زندگی منظمی داشته و غرایز آن‌ها عادی و قدرت مقاومت و استدلالشان معمولی است. اما یک سقوط اتفاقی و تمایل نفسانی شدید، آن‌ها را به سوی ارتکاب جرم سوق داده است و به محض آن که این حادثه مرتفع شود آن‌ها دوباره هم راه راست خود را در پیش گرفته و تردید و انحرافی ندارند.

در این موارد مجازاتی که آن‌ها را با جامعه همگام سازد و موجب تنبیه و اصلاح شود کافی به نظر می‌رسد. اما در مقابل این گروه، جانی‌های حرفه‌ای اصلاح‌ناپذیری قرار دارند که تشکیلات منحرف‌کننده‌ای داشته و تعلیماتی برای تجاوز به اموال و افراد می‌دهند. این دسته غرایزی خشک و خشن و فاقد احساسات طبیعی و اخلاقی داشته و عاری از تربیت صحیح هستند. اگر آن‌ها را آزاد بگذارند و به طریقی از غرق شدن در منجلاب جنایت دورشان نسازند، همیشه در معرض تکرار جرم هستند. این دسته، دشمنان سعادت و نظم جامعه هستند. انگل‌هایی که پیوسته گروه‌های خطرناکی را به وجود می‌آورند. هیچ مجازاتی آن‌ها را از عادت زشت باز نداشته و با طبع جامعه همگام نمی‌سازد. عقل حکم می‌کند که عدالت قضایی در برخورد با دو گروه مذکور مجازاتی یکسان اعمال نکند.

به همین جهت، در قانون مجازات اسلامی راجع به گروه اول تدابیری را به‌عنوان تعلیق مجازات، تخفیف یا تبدیل مجازات و پس از محکومیت

نیز آزادی مشروط با شرایط و مقرراتی پیش‌بینی کرده است. مجازات، مَشَقَّتِي است که از طرف حاکمیت نسبت به کسی که با ارتکاب جرم، نظم جامعه را مختل و به حقوق طبیعی یا قانونی افراد جامعه لطمه وارد کرده اعمال می‌گردد. از این رو، در اعمال مجازات همراه یک اعمال قدرت و یک اجرای عدالت نهفته است. در پاره‌ای موارد اجرای مجازات و تحمیل مشقت بدنی یا زیان مالی مجرم، با فلسفه‌ی جدید مجازات سازگار نبوده و گاهی نیز مغایر آن فلسفه و هدف به نظر می‌رسد و بهتر آن است که راهی انتخاب شود که بیشتر هدف‌های جدید مجازات را تأمین نماید.

یکی از راه‌های، تعلیقِ اجرای مجازات درباره‌ی مجرمینی است که به علت نداشتن سوء پیشینه و یا زوال آثار آن، از مجرمین بالفطره محسوب نمی‌شوند و گاهی سوابق خوب و سیر زندگی‌شان معرف شخصیت قابل‌اصلاح آنان است و مانع از آن می‌شود که به چشم یک جانی به آنان نگریسته شود. از این رو، سیاست جزایی جدید مصلحت نمی‌داند که این گروه از افراد به زندان افکنده شوند و در اثر تأثیر نامطلوب محیط زندان به عنصری خطرناک و ضد اجتماع تبدیل گردند.

به موجب ماده‌ی ۴۶ قانون مجازات اسلامی، در جرائم تعزیری درجه‌ی سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. در نگاه دیگر فایده‌ی تعلیق اجرای مجازات، دورنگهداشتن این مجرمین از ارتکاب جرم جدید است. شرط اصلی و اساسی استفاده از مقررات تعلیق، عدم ارتکاب جرم جدید در مدت تعلیق به وسیله‌ی کسی است که اجرای مجازات جرم اولیه‌ی وی به حال تعلیق درآمد است. ماده‌ی ۵۴ قانون مجازات اسلامی، تکلیف عدم رعایت شرط مزبور را تعیین و مقرر می‌نماید. هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص،

دیه یا تعزیر تا درجه‌ی هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده‌ی قرار تعلیق اعلام می‌کند.

بند سوم: تعلیق اجرای مجازات از دیدگاه حقوق دانان

اغلب حقوق دانان و اساتید حقوق، در ارزیابی از قانون مجازات اسلامی جدیدبر این باورند که اگرچه قانون جدید مجازات اسلامی نسبت به قانون قبلی، نوآوری‌های قابل توجهی دارد، اما یکی از ایرادات اساسی این قانون، آزمایشی بودن آن است. آن‌ها بر این عقیده‌اند که پس از گذشت سال‌ها، قانونی که به تصویب رسیده یک قانون آزمایشی ۵ ساله است. در فصل ششم قانون جدید مجازات، به تعلیق اجرای مجازات اشاره شده؛ به گونه‌ای که دادگاه می‌تواند در صورتی که درجه‌ی مجازات‌ها از ۳ تا ۸ باشد با وجود شرایطی که قانون‌گذار معین کرده، مجازات‌ها را تعلیق کند. در این شیوه، دست قاضی برای تعلیق اجرای مجازات باز است.

از دیدگاه بسیاری از حقوق دانان، تعلیق اجرای مجازات یکی از راه‌های قانونی اعطای فرصتی به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت به زندگی عادی در جامعه است. اجتناب از زندان انگیزه‌ی اصلی سیاست جایگزین از طریق تعلیق اجرای مجازات حبس است. اما قانون مجازات اسلامی دامنه‌ی این سیاست را به مجازات‌های دیگر نیز گسترش داده است که استفاده‌ی نامناسب از آن همواره منشأ انتقاد به نهادهای حقوقی تعلیق مبتنی بر انعطاف بیش از حد در مقابل مجرمان بوده است.

همچنین حقوق دانان اعتقاد دارند که یکی از مهم‌ترین نهادهای جایگزین مجازات زندان، تعلیق مراقبتی است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان است. این تأسیس حقوقی عبارت است از دادن

آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر زندان در مدت معینی به منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی.

بند چهارم: تفاوت تعلیق مجازات با آزادی مشروط و تخفیف مجازات در حقوق ایران

تعلیق، مانع از اجرای حکم مجازات می‌شود و با نهادهایی مانند آزادی مشروط و تخفیف مجازات تفاوت دارد. در آزادی مشروط، محکوم باید قسمتی از زندان خود را تحمل نموده باشد تا با رعایت شرایطی، از گذراندن بقیه‌ی مدت محکومیت در زندان معاف گردد؛ و حال آنکه در تعلیق، اصولاً اجرای مجازات از ابتدا معلق می‌گردد؛ به علاوه، فلسفه و هدف این دو تأسیس حقوقی نیز با هم فرق دارد، زیرا تعلیق در مجازات‌های تعزیری درجه‌ی سه تا هشت قابل اعمال است، حال آنکه آزادی مشروط تنها در مجازات سالب آزادی یا محدود کننده‌ی آن که همانا حبس و تبعید می‌باشد، قابل اعمال است.

از دیگر سو، با توجه به ماده‌ی ۴۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ تعلیق تنها در موارد خاص مندرج در این ماده قابل اعمال است. ماده‌ی ۴۶ ق.م.ا. اشعار می‌دارد که: در جرائم تعزیری درجه‌ی سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. در حالی که مطابق ماده‌ی ۵۸ این قانون که اشعار می‌دارد: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده‌ی حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات، همواره از خود حسن اخلاق و رفتار

نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه، محکوم، تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم، پیش از آن، از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق؛ همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل، به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره‌ی تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید».

اصل بر این است که مدت آزادی مشروط شامل بقیه‌ی مدت مجازات حبس می‌شود و دادگاه می‌تواند از اصل فوق عدول کرده و مدت آن را تغییر دهد، ولی اختیار دادگاه بین یک تا پنج سال است؛ به عبارت دیگر، در هر حال، آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد بر همین فرض، استثنایی نیز وارد است؛ به این صورت که اگر مدت باقیمانده‌ی حبس، کمتر از یک سال باشد مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس است. از دیگر سو، در تعلیق، اگر شخص مرتکب عملی خلاف دستور دادگاه گردد برای بار اول ۱ تا ۲ سال به مدت تعلیق اضافه می‌شود یا قرار را لغو و در صورت تکرار تعلیق لغو و مجازات به موقع اجرا گذاشته می‌شود؛ در حالی که در آزادی مشروط هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه‌ی هفت،

علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده‌ی محکومیت نیز به اجرا در می‌آید؛ در غیر این صورت، آزادی او قطعی می‌شود. تفاوت دیگر در این است که آزادی مشروط پس از اجرای مجازات و تحمل نیمی از مدت در حبس‌های بیش از ده سال و در سایر موارد یک‌سوم اعمال می‌شود اما در تعلیق اجرای مجازات، اجرای مجازات معلق می‌گردد و شخص حتی قسمتی از مجازات را هم تحمل نمی‌کند.

یکی از راهکارهای فردی کردن مجازات‌ها، تخفیف و معافیت از مجازات است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی در قانون ۱۳۹۲ از ماده‌ی ۳۷ تا ماده‌ی ۳۹ ق.م.ا را به آن اختصاص داده است. منظور از میزان تخفیف در قانون‌های سابق مجازات، پایین آمدن از حداقل مجازات و نیز تبدیل مجازات به مجازاتی که مناسب‌تر به حال متهم باشد می‌بود. این موضوع به‌خصوص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مشکل آفرین بود؛ زیرا برخلاف قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ که مجازات‌ها را به جنایت، جنحه و خلاف که در طول یکدیگر قرار داشتند تقسیم کرده بود، در قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و بازدارنده در عرض هم قرار داشتند.

در نتیجه معلوم نبود کدام مجازات شدیدتر و کدام خفیف‌تر است. برای مثال مجازات حدی شرب مُسکر هشتاد ضربه شلاق است اما مجازات تعزیری سرقهٔ مقرون به آزار، حداکثر تا ده سال حبس پیش‌بینی شده است. برای حل این مشکل، قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید، مبادرت به درجه‌بندی مجازات‌ها نمود و به‌همین ترتیب در مورد تخفیف نیز از درجه‌بندی مزبور استفاده کرد. با توجه به ماده‌ی ۳۷ ق.م.ا قاضی در تخفیف مجازات مختار است اما درجه‌بندی تخفیف‌ها برخلاف قانون سابق، دست قاضی را برای اعمال تخفیف بیشتر بسته است و این درجه‌بندی از اختیارات او نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ کاسته است.

ماده‌ی ۳۷ قانون جدید مجازات مقرر می‌دارد:

«در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند.»

الف. تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب. تبدیل مصادره‌ی اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ. تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت. تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

یکی از نوآوری‌های قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در موضوع تخفیف، بحث معافیت از مجازات در جرائم تعزیری درجه‌ی هفتم و هشتم مندرج در ماده‌ی ۳۹ قانون مجازات اسلامی است. به موجب ماده‌ی ۳۹: در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف، چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. در خصوص تفاوت نهاد تعلیق مجازات با تخفیف و معافیت باید گفت که این نهاد همانند آزادی مشروط با تخفیف مجازات تفاوت دارد؛ چرا که تعلیق مجازات مانع از به‌مورد اجرا گذاشتن کیفر می‌گردد؛ در حالی که در تخفیف مجازات، حکم مجازات پس از قطعیت به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود.

تعلیق، نوعی قرارداد و توافق بین محکوم‌علیه و دادگاه است به‌طوری‌که ارتکاب جرم جدید موجب الغای تعلیق مجازات می‌گردد، در حالی که ارتکاب جرم جدید بعد از اعمال جهات مخففه، تأثیری در موقعیت جرم قبلی مشمول مجازات تخفیف‌یافته ندارد. از نظر ضوابط تعدد

جرم، تعلیق مجازات درباره‌ی محکومین به جرایم عمدی متعدد، منع شده است و امکان‌پذیر نیست. ولی اعمال موارد مخففه‌ی مجازات با وجود تعدد جرم مانعی ندارد.

گفتار دوم: پیشینه‌ی تعلیق

بند اول: تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران

تعلیق اجرای مجازات از جمله شیوه‌های سنتی جایگزین مجازات حبس است که از بدو قانون‌گذاری در ایران سابقه‌ی تاریخی دارد و از حقوق کشور فرانسه برگرفته شده است. تعلیق اجرای مجازات، اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، از نوع تعلیق ساده پیش‌بینی گردید که این نوع تعلیق در خصوص مجرمین به جرایم جنحه بود.

متعاقب آن در سال ۱۳۰۷ مقررات تعلیق اجرای مجازات مورد اصلاح قرار گرفت. در این قانون، موارد مشمول تعلیق، به مراتب محدودتر شد سرانجام در سال ۱۳۴۶ مقرره‌ی خاصی تحت‌عنوان قانون تعلیق اجرای مجازات مشتمل بر ۱۸ ماده به تصویب رسید. به موجب ماده‌ی ۱ این قانون، برای محکومیت‌های حبس تأدیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جنایتی باشد، چنانچه مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نباشد دادگاه می‌تواند با احراز شرایط عینی، اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت، معلق کند.

در ماده‌ی ۱۷ این قانون آمده بود که وزارت دادگستری مکلف است ظرف پنج سال پس از تصویب این قانون وسایل اعمال نظارت بر عملکرد مجرمینی که اجرای مجازات تعلیق دستوراتی برای آنها صادر شده فراهم کند و برای تحقق این منظور، تصویب آیین‌نامه‌ی خاصی پیش‌بینی شده بود. اما تصویب این آیین‌نامه سال‌ها به تعویق افتاد تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب آیین‌نامه‌ی امور

زندانه‌ها در جلسه‌ی ۲۷۳ مورخ ۱۳۶۱/۲/۷ شورای عالی قضایی وقت به تصویب رسید.

در جریان تصویب قانون آزمایشی مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ توسط کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، تعلیق اجرای مجازات از صورت قانون خاص خارج شد و در قالب ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ پیش‌بینی شده بود، سرانجام به تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقررات ماده‌ی ۴۰ سابق نسخ گردید. در سال ۱۳۹۲ نیز تعلیق اجرای مجازات، مدنظر قانون‌گذار قرار گرفت و مقررات تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر ضمن مواد ۴۶ تا ۵۵ این قانون با رعایت شرایط خاصی پیش‌بینی شده است، با این تفاوت که در قانون جدید، برخلاف قوانین قبلی، تعلیق مراقبتی نیز به در قانون مجازات به صراحت مطرح شده است.

ناگفته نماند که در قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۵ در ماده‌ی ۲۲ این قانون، تعلیق تعقیب کیفری در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در دادسرا بدین شرح مورد توجه و تأکید قانون‌گذار قرار گرفته بود: در کلیه‌ی اتهامات از درجه‌ی جنحه به استثنای جنحه‌های باب دوم قانون مجازات عمومی، هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید دادستان رأساً می‌تواند تا اولین جلسه‌ی دادرسی با احراز شرایط معین در قانون، تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره‌های ۱ و ۲ ماده‌ی ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی، معلق نماید.

علاوه‌بر آن، در سیستم جزایی فعلی، اعطای تعلیق به مجرم در قانون مجازات اسلامی رابطه‌ی مستقیمی با نوع جرم و مجازاتی که دادگاه مجرم را به آن محکوم کرده است دارد، همچنین این ارفاق قانونی، تنها شامل حال مجرمی خواهد شد که برای نخستین بار مرتکب جرمی شده باشد که دادگاه او را محکوم به مجازات تعزیری درجه‌ی سه تا

هشت کرده باشد. اعم از اینکه حکم صادره ناشی از ارتکاب جرایم قابل تعزیر باشد و یا اینکه حکم به محکومیت تعزیری ناشی از ارتکاب جرایمی باشد که اصالتاً مجازات آن‌ها در قانون، قصاص عضو یا حد تعیین شده است. اما با در نظر گرفتن شرایط مندرج در مواد قانونی، مجرم را به شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه به او با نظر حاکم موکول کرده است. از طرف دیگر، انواع محکومیت‌های تعزیری اعم از حبس یا جزای نقدی یا شلاق چنانچه به‌عنوان مجازات اصلی برای مجرم از طرف دادگاه به هر میزانی که باشد تعیین گردد قابل تعلیق خواهد بود، مگر اینکه از جمله محکومیت‌هایی باشد که قانون‌گذار آن را به لحاظ حیثیت عمومی و مخاطرات ناشی از جرم تعلیق در قانون ممنوع نموده باشد.

از طرف دیگر، در حال حاضر، محکومیت به حبس توأم با جزای نقدی قابل تعلیق نیست و همین‌طور اقدامات تأمینی هم شامل تعلیق نخواهد شد. در توجیه ممنوعیت تعلیق اقدامات تأمینی می‌توان گفت نظر به اینکه اقدامات تأمینی (مانند حکم به اعزام معتاد به مواد مخدر به محل ترک اعتیاد و بازپروری و یا اقدامات تربیتی در مورد صغار و نظایر این -ها) اقدامات فوری لازم است و به تأخیر انداختن آن‌ها به مصلحت مجرم و جامعه نیست و نمی‌توان اجرای آن را معلق نمود.

بند دوم: تعلیق مجازات در کشورهای مختلف

در کشور آمریکا آنچه ما تعلیق مجازات می‌خوانیم و آن‌ها Probation می‌گویند، با مقررات و اصولی مشابه مورد استفاده است. تنها تفاوت عمده‌ای که میان رویه‌ی آمریکا از یک طرف و کشورهای حقوق مدون، از جمله ایران، از طرف دیگر، وجود دارد این است که در آمریکا محکوم آزاد شده را در مدت تعلیق مجازات به حال خود وانمی‌گذارند، بلکه در این مدت زیر نظر مأمور خاصی که Officer Probation نامیده

می‌شود، وسایل مراقبت، راهنمایی و احتمالاً معالجه و درمان او را فراهم می‌کنند.

در انگلستان، خانه‌ها و اقامتگاه‌های مخصوصی برای اقامت محکومین در دوران تعلیق مجازات تأسیس شده است. بعضی از محکومین باید در خانه‌های مخصوص به کار یا فعالیت مشغول باشند؛ درحالی‌که عده‌ی دیگر می‌توانند روزها در خارج اقامتگاه کار کنند و شب‌ها را برای استراحت به اقامتگاه بازگردند. از این افراد پولی هم برای کمک به مخارج اقامتگاه گرفته می‌شود.

«مأمورین مراقبت» از نظر تماس با محکومین و کمک به آنان که زودتر مقامی مناسب در جامعه به دست آورند، بسیار مؤثر بوده‌اند. اشکال عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد آن است که به تعداد کافی مأمور مراقبت وجود ندارد. بهترین موقعیت آن است که یک مأمور مراقبت حدود ۳۵ محکوم را در دوران تعلیق زیر نظر و بازرسی داشته باشد، ولی در ایالات مختلف آمریکا، مراقبت از ۵۰ محکوم هم عادی و طبیعی تلقی شده است. مطابق آماري که در دست است در تمام آمریکا حدود ۷۰۰۰ مأمور مراقبت وجود دارد؛ درحالی‌که تنها در دادگاه‌های اطفال به وجود ۱۵۰۰۰ مأمور مراقب احتیاج است.

در حقوق جزای شوروی «روسیه» تعلیق مجازات در موارد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطابق قوانین موجود شوروی «روسیه» (ماده‌ی ۳۸ قانون جزای اتحاد جماهیر شوروی سابق) در صورتی‌که دادگاه در حین صدور حکم سالب آزادی یا «کار سازنده» یعنی کاری که در کارگاه‌های مخصوص زیر نظر مقامات جزائی صورت می‌گیرد با توجه به ماهیت مجازات و شخصیت مجرم و شرایط ارتکاب جرم متوجه شود که اجرای مجازات آثار نامطلوب به بار خواهد آورد، می‌تواند حکم به تعلیق مجازات بدهد و لازم است که انگیزه‌ی تعلیق را در حکم قید نماید. در دوره‌ی تعلیق مجازات که بنا به نظر دادگاه و با

توجه به شدت یا ضعف جرم ارتكابی بین ۱ تا ۵ سال تعیین می‌شود، مجرم نباید مرتکب عمل مجرمانه جدیدی گردد، وگرنه علاوه بر لغو قرار تعلیق، دادگاه با توجه به مقررات تکرار جرم درباره‌ی جرم اخیر او تصمیم خواهد گرفت.

در غالب موارد با توجه به شخصیت مجرم و همین‌طور موقعیت کارخانه یا مجتمع کشاورزانی که تقاضای تعلیق مجازات مجرم را کرده‌اند دادگاه مراقبت و سرپرستی او را در دوران تعلیق به کارخانه یا مجتمع کشاورزی خاص خود او واگذار می‌کند. در زمان جنگ چنانچه درباره‌ی یکی از افراد نظامی حکم محکومیت زندان صادر شده باشد دادگاه می‌تواند حکم به تعلیق مجازات بدهد تا او بتواند وظایف خود را در میدان جنگ انجام دهد. در این صورت معمولاً مجازات‌های تبعی و تکمیلی هم درباره‌ی او اجرا نخواهد شد.

در حقوق جزای ایتالیا تعلیق مجازات که «تعلیق مشروط مجازات» نامیده می‌شود در مواد ۱۶۳ تا ۱۶۸ قانون جزا پیش‌بینی شده است. از آنجایی که مقررات تعلیق مشروط در حقوق جزای ایتالیا از لحاظ اصول کلی به مقررات جزایی فرانسه و ایران شباهت کامل دارد، از نظر آشنایی مختصر به این مقررات تنها به ترجمه ماده‌ی ۱۶۳ اکتفا می‌شود: «در موقع صدور حکم محکومیت زندان یا توقیف برای مدتی که از یک‌سال تجاوز نکند، و یا مجازات نقدی که به تنهایی و یا به ضمیمه‌ی مجازات سالب آزادی و یا مجازاتی که با توجه به ضوابط قانونی (به جای مجازات نقدی) تعیین شده است، مجموعاً از یک‌سال سلب آزادی شخصی مجرم تجاوز نکند، قاضی می‌تواند حکم دهد که اجرای مجازات برای مدت ۵ سال، در صورتی که محکومیت به خاطر ارتکاب جنایت باشد و یا دو سال، در صورتی که محکومیت به خاطر ارتکاب جنحه باشد، معلق بماند...». تخلف از مقررات تعلیق و یا ارتکاب جرم جدید باعث لغو تعلیق مجازات خواهد شد.

گفتار سوم: انواع تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات در مواد ۲۵ به بعد قانون سابق مجازات اسلامی وجود داشت که اکنون نیز در قانون مجازات مصوب سال ۹۲ از ماده‌ی ۴۶ به بعد به چشم می‌خورد. در مورد تقسیم‌بندی تعلیق که علاوه بر قانون سابق، در قانون جدید مجازات اسلامی نیز وجود دارد، باید گفت که متأسفانه قانون‌گذار به‌نحوی شایسته به این تقسیم‌بندی اقدام نکرده است. این درحالی است که در قوانین سایر کشورها، به‌طور مثال در قانون کشور فرانسه، تعلیق اجرای مجازات به سه دسته‌ی تبعی تعلیق ساده، مراقبتی و تعلیق با اجرای خدمات عام‌المنفعه تقسیم می‌شود؛ اما در قانون سابق و فعلی مجازات اسلامی ایران، تعلیق به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شود. البته این تقسیم‌بندی به صورت ظاهری وجود ندارد ولی می‌توان استنباط کرد که اکنون تعلیق به دو دسته‌ی تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی تقسیم‌بندی می‌شود.

بند اول: تعلیق ساده

در تعلیق ساده که در آن، مجرم در مدت معینی و بدون هیچ قیدوشرطی، از تحمل مجازات معاف می‌گردد؛ اگر این دوره را بدون ارتکاب جرم جدید به پایان برساند، به‌طور قطع از اجرای مجازات معاف می‌شود، وگرنه حکم صادره درباره‌ی او به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد. به موجب ماده‌ی ۵۲ ق.م.ا: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه‌ی هفت نشود محکومیت تعلیق بی‌اثر می‌شود.» با توجه به این ماده: اولاً، تعلیق اجرای مجازات منوط به عدم ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه‌ی هفت در زمان تعلیق اجرای مجازات است. درنتیجه اگر محکوم، مرتکب یکی از این جرائم گردد قرار تعلیق به‌موجب ماده‌ی ۵۴ ق.م.ا لغو و دستور اجرای حکم

معلق صادر می‌شود.

ثانیاً، در پاسخ به این سوال که کدام دادگاه برای الغای قرار تعلیق، صالح است در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ با توجه به ماده‌ی ۳۳ دادگاهی که حکم تعلیق اجرای مجازات سابق را صادر کرده بود یا دادگاه جانشین برای الغ اصلاح بود. در قانون جدید در قسمتی از ماده‌ی ۵۴ آمده است: «پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده‌ی قرار تعلیق اعلام می‌کند» با توجه به این قسمت از ماده، دو حالت پیش می‌آید:

الف. با توجه به ماده‌ی ۵۵ قانون جدید، دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است پس از صدور قرار متوجه می‌شود که محکوم دارای سابقه‌ی محکومیت مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی بوده است، در این صورت قرار تعلیق را لغو می‌کند.

ب. دادگاه دیگر پس از رسیدگی به اتهام دیگر متهم و قطعیت متوجه می‌شود که محکوم قبلاً مرتکب یکی از جرائم مشمول حد، قصاص، تعزیر تا درجه‌ی هفت شده است. در این جا، قانون‌گذار برخلاف قانون سابق، قائل به حدوث وضعیت جدیدی شده است. با این توضیح که این دادگاه که اصولاً صادرکننده‌ی حکم تعلیق نبوده است؛ قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر می‌کند و مراتب را به دادگاه صادرکننده‌ی قرار تعلیق اعلام می‌کند. در واقع دادگاهی که قرار تعلیق را صادر نکرده است آن را لغو می‌کند و حتی دستور اجرای حکم سابق را می‌دهد. ایجاد صلاحیت اضافی برای دادگاهی که اصولاً در جریان قرار تعلیق نبوده است، قابل انتقاد است؛ زیرا اصولاً همان‌گونه که اشاره شد بهتر بود در تمام احوال، دادگاه صادرکننده‌ی قرار تعلیق اجرای مجازات مبادرت به لغو قرار کند، نه دادگاهی که در پرونده‌ی دیگری رأی قطعی صادر کرده است.

ثالثاً، در صورتی که دادستان یا قاضی اجرای احکام متوجه شود که محکوم دارای سابقه‌ی محکومیت مؤثر یا محکومیت‌های دیگری بوده است؛ موظف است که لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید که با عنایت به مطلبی که در فوق آمده این ابهام ایجاد می‌شود که کدام دادگاه صالح است. آیا دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است، یا دادگاهی که حکم به حد یا قصاص یا تعزیر به شرح مندرج در ماده‌ی ۵۴ ق.م.ا داده است؟ چنین به نظر می‌رسد که دادستان تقاضای لغو قرار را از دادگاهی خواهد خواست که قرار تعلیق مجازات را صادر کرده است. به‌هرحال، این ابهام با توجه به ماده‌ی ۵۵ ق.م.ا، وجود دارد و محتاج انتظار برای تشکیل رویه‌ی قضایی است.

رابعاً، تعلیق اجرای مجازات با توجه به ماده‌ی ۵۱ ق.م.ا، به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد. بنابراین در صورتی که مدعی خصوصی دادخواست ضرر و زیان داده باشد یا در مورد دیه، تقاضا نماید؛ تعلیق اجرای مجازات در امر حقوقی اثری نداشته و دادگاه وفق مقررات نسبت به این موضوع رسیدگی خواهد کرد؛ با توجه به اینکه شرایط تعلیق وفق ماده‌ی ۴۶ ق.م.ا، همان شرایط تعویق صدور حکم است. یکی از شرایط عمومی تعویق صدور حکم، وفق بند پ ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران است» این اشکال پیش می‌آید که در صورت عدم جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ضرر و زیان، دیگر موجبی برای تعلیق اجرای مجازات پیش نمی‌آید که مشمول ماده‌ی ۵۱ ق.م.ا گردد.

خامساً، باتوجه به ماده‌ی ۴۹ ق.م.ا، قرار تعلیق اجرای مجازات به‌وسیله‌ی دادگاه ضمن حکم محکومیت، در زمانی که پرونده در حال رسیدگی است و پس از صدور حکم محکومیت زمانی که محکوم یک‌سوم از مدت مجازات را سپری کرده با تقاضای او و یا دادستان صادر می‌گردد. در نتیجه محکومی که اجرای حکمش به‌طور کلی معلق شده است: با توجه به

قسمت اخیر ماده‌ی مذکور، اگر در زندان باشد بلافاصله آزاد می‌شود. سادساً، چه در تعلیق ساده و چه در تعلیق مراقبتی، شرایط عمومی تعویق به شرح بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا، باید رعایت شود که عبارتند از:

- الف. وجود جهات تخفیف
- ب. پیش‌بینی اصلاح مرتکب
- پ. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران
- ت. فقدان سابقه‌ی کیفری مؤثر

بند دوم: تعلیق مراقبتی

تعلیق مراقبتی یکی از مهم‌ترین نهادهای جان‌نشین مجازات زندان است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان است. این تأسیس حقوقی عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به‌جای کیفر در زندان، در مدت معینی به‌منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی.

در تعلیق مراقبتی، محکوم‌علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می‌گردد که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است. به‌علاوه، جامعه نیز از عمل بزه‌کاران تعلیقی معاف می‌گردد و در مقابل با موجبات حبس بزه‌کاران حرفه‌ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزه‌کاران مصون می‌ماند. از تعلیق مراقبتی تعریف روشنی در نظام یا نظام‌های مختلف کیفری ارائه نشده است ولی زمانی می‌توان تعلیق مراقبتی را به نهادی اطلاق کرد که متضمن ویژگی‌های زیر باشد:

داشتن سازمان مستقل در چارچوب یک نظام کیفری؛ قضایی بودن ماهیت وظایف آن؛ اقتدار قانونی؛ اعمال سرپرستی و نظارت بر مجرم و بالاخره آماده‌سازی مجرم به‌منظور بازگشت به جامعه و تطبیق با آن.

در مجارستان تعلیق مراقبتی بخشی از مجموعه‌ی قوانین جزایی است و برای اطفال و بزرگسالان متفاوت است. در این کشور مأموران تعلیق مراقبتی توسط دادگاه‌ها استخدام می‌شوند و هریک تحت نظارت قاضی قرار می‌گیرند تا برای گزارش از مجرمان و سرپرستی اطفال بزه‌کار مهارت‌های لازم اولیه را کار گیرند و هرگاه حداکثر مجازات قانونی جرم سه سال حبس یا کمتر باشد، اعمال تعلیق مراقبتی مجاز است. در چند سال اخیر تعداد افراد تحت پوشش تعلیق مراقبتی افزایش یافت.

در کشور ژاپن تعلیق مراقبتی از ارکان دستگاه قضایی است. در سال ۱۹۴۹ سه سازمان جدید شکل گرفت: دادگاه خانواده، مرکز آزادی مشروط و اداری تعلیق مراقبتی. تعلیق مراقبتی در ژاپن، تعلیق اجرای حکم مجازات است و از جمله مسئولیت دولت مرکزی است. در ژاپن، ۱۴۴۰ مأمور رسمی تعلیق مراقبتی وجود دارد و پنجاه هزار نفر به‌طور داوطلبانه مشغول خدمت هستند و تقریباً ۹۰ درصد مأمورین مرد هستند. در گینه‌ی نو قانون تعلیق مراقبتی در سال ۱۹۷۹ به تصویب مجلس ملی رسید، اما به دلیل فقدان منابع مالی، هیچ تلاش واقعی برای اجرای فوری آن صورت نگرفت. در فیلیپین تعلیق مراقبتی مختص اجرای محکومیت است. این نظام اولین بار در سال ۱۹۳۵ در دوران استعمار آمریکا به وجود آمد ولی تا سال ۱۹۷۶ به مرحله‌ی اجرا در نیامد.

از تعلیق مراقبتی تعریف کاملاً دقیقی ارائه گردیده است ولی این تعریف شاید جامع همه‌ی نظام‌های دنیا نباشد، چنانکه با نظام‌های جهان توسعه یافته ناهمگون است. تعلیق مراقبتی، یک روش مجازات با مبانی جامعه‌شناختی تربیتی است که با ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می‌گردد. این روش در نظام آزاد، در مورد مجرمینی اعمال می‌گردد که انتخاب آن‌ها برحسب شخصیت جرم‌شناختی و جرم‌پذیری آن‌ها بوده است. این افراد در ارتباط با نظامی قرار می‌گیرند

که هدفش فراهم آوردن فرصت اصلاح برای مجرم و رهیافتی برای زندگی او در جامعه، و یافتن جایگاهش در محیط اجتماعی است، بدون آنکه خطر تجاوز مجدد به هنجارهای جزایی وجود داشته باشد. همچنین سازمان ملل در تعریفی که حدود نیم قرن پیش ارائه داده است می‌گوید: تعلیق مراقبتی، روش برخورد با مجرمینی است که به نحو خاصی انتخاب می‌شوند و عبارت است از معلق کردن مشروط مجازات مجرم، در طول مدت زمانی که تحت نظارت شخصی قرار می‌گیرد و به صورت فردی ارشاد یا درمان می‌شود.

از جمله عواملی که در افکار و اندیشه‌ی کیفری در خصوص تحول مفهوم تعلیق در کنار سایر عکس‌العمل‌های جامعه علیه جرم به‌عنوان یک وسیله برای بازداری مجرم از ارتکاب جرم به‌نحو خاصی مؤثر بوده است تحلیل جرم به‌عنوان یک پدیده‌ی انسانی و اجتماعی قابل درمان توسط جرم‌شناسان است و دیگری، تعمیم نظام دادرسی اطفال بر جرایم بزرگسالان است. جرم و تبه‌کاری از دیدگاه جرم‌شناسی به‌عنوان یک پدیده‌ی انسانی و اجتماعی در محیطی قابل درمان باعث توجه بیشتر به شناخت علل جسمی، روانی و اجتماعی مؤثر در وقوع جرم گردیده است.

تحت تأثیر داده‌های جرم‌شناسی، به‌تدریج کوشش‌هایی برای آگاه کردن مجرمین به نادرستی رفتار مجرمانه‌ی ارتکابی از راه علت‌شناسی، نظر مصلحین و قانون‌گذاران را به خود معطوف نمود و در نتیجه توجه به داده‌های جرم‌شناسی که متضمن نگرش به مجرم به مثابه یک انسان بیمار و قابل اصلاح و درمان است و از وقوع جرم پیشگیری نموده و به بازسازی شخصیت اجتماعی بزه‌کار می‌پردازد، باعث تحقق تحولات قابل‌ملاحظه‌ای در نظام‌های کیفری شده است.

براین اساس، الگوی جدیدی به‌عنوان شیوه‌ی درمان اجتماعی در مورد مجرمین در محدوده‌ی قوانین جزایی مشروعیت یافت و با پذیرش

مفهوم نوین تعلیق با مراقبت راه را برای فعالیت کارشناسان اصلاح و تربیت و مددکاران اجتماعی، برای ارشاد و نیز کنترل رفتار مجرمین در ایام تعلیق در خارج از زندان، فراهم نمود و اکنون به تدریج در نظام‌های کیفری، قانون تعلیق توأم با مراقبت مجرمین جایگاه قانونی خاصی پیدا کرده است به طوری که در حال حاضر، تعلیق توأم با مراقبت، یکی از ابزارهای کنترل اجتماعی رفتار مجرمین در آینده است که توسط سازمان‌های خدمات تعلیق مراقبتی و کارشناسان اصلاح و تربیت به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که در گسترش و توسعه‌ی نهاد تعلیق توأم با آزادی و مراقبت در مورد مجرمین مؤثر بوده است استفاده از شیوه‌ی دادرسی اطفال است که باعث تعدیل و تلطیف نحوه‌ی برخورد جامعه با مجرمین بزرگسال شده است. در دادگاه‌های اطفال در مواردی که خانواده و مدرسه از مراقبت طفل عاجز باشند به شیوه‌ی مجزا از راه و روش محاکمه بزرگسالان، طفل بزه‌کار به جای محاکمه و صدور حکم و فرستاده شدن به زندان، تحت سرپرستی و مراقبت اولیا یا سایر سرپرستان قرار می‌گیرد و در صورت لزوم به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شود. جامعه در قبال بزه‌کاری اطفال روش دادرسی قابل انعطاف و اغماضی را اتخاذ نموده که نتایج مثبت و قابل توجهی نیز به بار آورده است.

از این رو در ارتباط با جرایم جوانان نیز نحوه‌ی دادرسی خاص دادگاه‌های اطفال به‌عنوان یک وسیله‌ی متضمن جنبه‌های تربیتی در قوانین جزایی، باعث پذیرفته شدن و اعطای نهاد تعلیق توأم با آزادی و مراقبت درباره‌ی مجرمین جوان گردیده است و منظور از تعیین سرپرست در زمان تعلیق در خارج از زندان ضرورتاً تشکیل یک سازمان مستقل تعلیق مراقبتی برای حمایت از مجرمین جوان است. برای اینکه تعلیق اجرای مجازات به هدف اصلی خویش که باز اجتماعی‌شدن مرتکب

جرم است برسد چاره‌ی کار تنها سلب آزادی او نیست، بلکه بهتر است به جای زندانی کردن، او را آزاد گذاشت و ضمن آزادی تحت مراقبت قرار داد تا هدف تعلیق فراهم آید.

به همین سبب است که قانون‌گذار، محکوم را مکلف کرده که در زمان تعلیق مرتکب جرم نشود، و تحت رژیم دستوراتی قرار گیرد که دادگاه برای برگشت او به جامعه لازم می‌داند. این دستورات همان است که در تعویق صدور حکم به آن اشاره شده است. با این وصف، در تعلیق مراقبتی، محکوم باید اولاً، مقررات مربوط به تعلیق ساده یعنی عدم ارتکاب مجدد جرم در دوره‌ی آزمایش (مدت تعلیق و تعویق را اصطلاحاً دوره‌ی آزمایش می‌نامند) در نظر داشته باشد و ثانیاً، شرایط کلی تعویق صدور حکم را داشته باشد.

دستوراتی که دادگاه برای دوره‌ی آزمایش ممکن است صادر کند با توجه به ماده‌ی ۴۸ ق.م.ا همان دستوراتی است که در تعویق صدور حکم آمده است ماده‌ی ۴۳ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده‌ی قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه‌ی افراد واجب‌النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه‌ی موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل

مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص

از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه. علاوه بر این‌ها تدابیر تعویق مراقبتی به شرح مندرج در ماده‌ی ۴۲ ق.م.ا در مورد تعلیق اجرای مجازات نیز قابل‌اعمال است.

الف- تعلیق مراقبتی در دنیا

واقعیتی که در زمینه‌ی ارتکاب جرم وجود دارد در تمام کشورها همانندی‌های بسیار دارد. میزان ارتکاب جرم از سوی مردان، جوانان و ساکنین شهرها در مقایسه با دیگران بیشتر و برخورداری از تحصیلات عالی و روابط خانوادگی مستحکم از شاخص‌هایی است که موجب کاهش بزه‌کاری می‌شود. بالطبع جرم موضوع تعلیق مراقبتی در عین حال که همانندی‌های مختلف به شکل‌های مختلف اجرا می‌شود. تعلیق مراقبتی در دنیا در هریک از سنت‌های حقوقی حقوق موضوعه، ارکان مخصوص به خود را دارد. از جنگ جهانی دوم، تعلیق مراقبتی به سمت همگرایی حرکت نمود. نفوذ متقابل بین کشور انگلوساکسون و کشورهای اروپایی قاره‌ای به این همگرایی کمک کرد. در عین حال تفاوت‌های زیادی میان کشورها وجود دارد. به‌عنوان مثال در میان کشورهای حقوق موضوعه در مورد سازماندهی داوطلب به ویژه کلیسا و منتخبین به عنوان سرپرستان اعضای محلی اختلاف نظر وجود دارد. در کشورهای دانمارک و سوئد این مؤسسات یک عامل قدرتمند بودند ولی در کشورهای اروپای شرقی سازمان‌های جوانان و اتحادیه‌های صنفی اهمیت بیشتری دارند. در زیر شیوه‌ی تعلیق مراقبتی در چند کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعلیق مراقبتی در ایالات متحده آمریکا

ارکان تعلیق مراقبتی در بریتانیا و بخش بزرگی از آمریکای شمالی در روبه‌های قرون وسطایی حقوق عرفی ریشه دارد که به‌موجب آن آزادی

مجرمین براساس وجه‌الضمان و مشروط بر حسن رفتار و رعایت نظم عمومی بود.

در نظام التزامی که به‌وسیله‌ی مهاجرین اولیه وارد گردید سرپرستی یا نظارت مطرح نبود. از سوی دیگر، این نظام، شخص ثالثی را که برای حاضر کردن مجرم در دادگاه داوطلب می‌شد مسئول می‌شناخت و چنانچه وی موفق به انجام تعهد خود نمی‌شد به جزای مالی محکوم می‌گردید. تعلیق مراقبتی از چنین رویه‌هایی شکل گرفت و اولین بار به وسیله‌ی یک کفاش اهل بوستون به‌نام جان گریستون نام‌گذاری شد. در آغاز اشخاص مست مورد نظر او بودند ولی بعدها مجرمین دیگر نیز در محدوده‌ی تعهد او قرار گرفتند. با توجه به مفاد بازجویی‌ها او درخواست می‌کرد که در مواد متناسب مجازات معوق و مجرم جهت مراقبت به وی سپرده شود و در زمان انقضای مدت در دادگاه حاضر شود.

در مدت ده سال فعالیت او در مجموع ۱۱۰۲ نفر با ضمانت به وی سپرده شدند و تا سال ۱۸۵۸ او برای ۱۹۶۴ نفر وثیقه گذاشته بود. پس از مرگ او کسانی دیگر کار او را ادامه دادند. اولین قانون مراقبتی در سال ۱۸۷۸ در ماساچوست به تصویب رسید و به‌موجب آن به شهردار بوستون به این منظور، اجازه‌ی انتصاب یک افسر با پرداخت حقوق داده شده در آن قانون تصریح شد که تعلیق مراقبتی قادر به اصلاح اشخاص بدون اعمال مجازات است. قانون مذکور اختیار جدیدی به دادگاه‌ها واگذار نکرد ولی برای متخلفین که به وسیله‌ی افسر تعلیق مراقبتی بازداشت می‌شدند مجازات‌هایی در نظر گرفت. قوانین ۱۸۸۰ و ۱۸۸۱ اصلاح گردید و اختیارات شهرداری به دادگاه‌ها تفویض شد.

تعلیق مراقبتی در انگلستان

ردپای اصول تعلیق مراقبتی را می‌توان در سال‌های ۱۸۲۰ جستجو کرد. و آن زمانی بود که قضاات دادگاه‌های بخش با تلفیق روش ضمانی و نظام-

های التزامی نسبت به آزادی مجرمین جوان با تعهد یک کارفرما اقدام کردند. قاضی هیل با نگهداری سوابق آزاد شدگان و چگونگی گذراندن زندگی آنها به منظور ایجاد امکان برخورد مناسب با تکرارکنندگان جرم در جهت تعلیق مراقبتی گامی اساسی برداشت. درعین حال شروع تعلیق مراقبتی انگلستان را معمولاً به سال ۱۸۷۶ نسبت می‌دهند. قانون تعلیق مراقبتی مصوب ۱۹۰۷ که تعلیق را به‌طور قانونی از التزام متمایز ساخت این است را تحکیم بخشید. نکته‌ی مهم در تکامل تعلیق مراقبتی در انگلستان این است که این رویه با تعلیق صدور حکم محکومیت همراه بوده است. سرخوردگی‌های ناشی از نظریات خشونت‌آمیز قرن نوزدهم و آلودگی زندان و نقض غرض بودن استفاده از آنها موجب تکامل بیشتر تعلیق مراقبتی شد.

تعلیق مراقبتی در استرالیا

در کشور استرالیا با تبعیت از انگلستان قانون اجازه‌ی اعطای آزادی مشروط به مجرمین که برای بار اول مرتکب جرم شده بودند و یا جرایم آنها کم اهمیت بود در سال ۱۹۰۱ به تصویب رسید. مهم‌ترین تغییری که در قانون مجازات استرالیا انجام گرفت، جایگزین تعلیق اجرایی مجازات به جای تعلیق محکومیت بود. درعین حال تکامل تعلیق مراقبتی در استرالیا به آرامی انجام گرفت.

در کانادا روند تعلیق مراقبتی مشابه استرالیا بود، اما این دو کشور برخلاف اروپا روند کندی در این خصوص داشتند به‌طوری که تا اواخر دهه‌ی پنجاه، هرساله کمتر از ۱۵۰۰۰ نفر در سال مشمول تعلیق مراقبتی می‌شدند. این رقم کمتر از سه درصد کل مجرمین بود؛ درحالی که در همان زمان در تعدادی از کشورهای اروپایی جمعیت مشمول تعلیق مراقبتی بیش از تعداد زندانیان بود در عین حال در چند سال اخیر پیشرفت‌های قابل توجه در آن زمینه در دو کشور کانادا و استرالیا انجام گرفت.

ب- ویژگی‌های مفهوم تعلیق توأم با مراقبت

تعلیق توأم با مراقبت، کیفر جانشین مجازات است بی‌تردید، صدور قرار تعلیق توأم با مراقبت از طرف دادگاه، به معنی اعطای آزادی مطلق به مجرم برای زندگی در خارج از زندان نیست، بلکه این اقدام رأف‌آمیز، در اختیار قراردادن فرصت محدودی است که تحت نظارت و راهنمایی مددکاران اجتماعی به‌طور موقت و به‌صورت آزمایشی برای ترغیب مجرم، به‌منظور اصلاح و بازگشت به زندگی عادی داده می‌شود و درعین‌حال، چنانچه مجرم در مدت آزمایش مرتکب جرم جدیدی گردد یا اینکه به راهنمایی و ارشاد مأمور نظارت توجه ننماید، یا به‌عبارت‌دیگر، عوامل نظارت با نقض قانون یا قصور مجرم مواجه شوند، حکم تعلیق کان‌لم‌یکن خواهد شد.

انتخاب مجرم در چارچوب قانون

امروزه در نظام‌های کیفری، نهادینه‌شدن تعلیق توأم با مراقبت به‌عنوان یک مجازات جانشین، وسیله‌ی قابل انعطافی است که به دادگاه اختیار می‌دهد تا بتواند اجرای حکم محکومیت به مجازات را برای مدتی در مورد مجرمین، معلق نموده، به تأخیر اندازد؛ و در نتیجه؛ با اتخاذ این سیاست کیفری، نظام کیفری نیز قادر خواهد بود تا در مقابل تغییرات رفتار مجرم واکنش مناسبی نشان دهد.

با وجود این، دادگاه به‌طور قانونی نمی‌تواند همه‌ی مجازات‌ها را معلق نماید؛ بلکه اعطای تعلیق توأم با مراقبت نیز بستگی به شدت و ضعف و وخامت جرم؛ همچنین خصوصیت مجرم از نظر شرایط سنی و سابقه‌ی کیفری دارد. بدین لحاظ، انتخاب مجرم برای اعطای این ارفاق قانونی مبتنی بر شایستگی‌های او، نوع جرم، شرایط معین و شخصیت اجتماعی او دارد. از این رو یکی دیگر از ارکان تعلیق توأم با مراقبت، انتخاب مجرم در چارچوب قانون است. منتها این ارفاق قانونی که در

ابتدا مختص جرایم کم‌اهمیت بوده و تنها نسبت به مجرمین جوان اعمال می‌گردیده است، به تدریج در مورد برخی از مجرمین بزرگسال و جرایم مهم‌تری از قبیل هتک ناموس به عنف و جرایم مواد مخدر و صدمات بدنی شدید، سرقت اتومبیل و نظایر این‌ها اعمال گردید. این نوع تعلیق به معنی به تأخیر انداختن مشروط مجازات است. همان‌طور که در تعریف تعلیق مراقبتی آمده است، سومین رکن تشکیل‌دهنده‌ی تعلیق توأم با مراقبت، معلق کردن مشروط مجازات مجرم در مدت زمانی است که دادگاه برای آزمایش متابعت و پیروی مجرم از راهنمایی و دستورات مأمور تعلیق در نظر می‌گیرد. بنابراین، این روش تلفیقی است از مجازات و نظارت و این دو عامل به نحو غیرقابل تفکیکی برای بازپروری اجتماعی شخص مجرم مورد توجه است. درحقیقت، تعلیق توأم با مراقبت یک ارفاق قانونی موقت است که به عنوان یک فرصت مناسب برای اصلاح، به مجرم اعطا می‌شود، ولی در صورت عدم اطاعت مجرم از دستور دادگاه، امکان اعمال مجازات در ساختار این نوع تعلیق آشکار خواهد شد.

تعلیق توأم با مراقبت به‌عنوان یک روش اصلاحی مستلزم نظارت بر رفتار مجرم است

صدور قرار تعلیق مراقبتی که به‌منظور بازسازی شخصیت مجرم صورت می‌گیرد مستلزم اعمال نوعی سرپرستی و ارشاد مجرم توسط متخصصان و مددکاران اجتماعی در دورانی است که مجرم به‌طور آزمایشی تحت مراقبت قرار می‌گیرد. در این مدت، شخص یا سازمانی که سرپرستی مجرم را عهده‌دار می‌شود باید با استفاده از مبانی جرم‌شناسی، مجرم را تحت نظارت خویش، مورد راهنمایی قرار داده و زمینه‌ی اصلاح و سازگاری وی را در جامعه برای بازیافت موقعیت اجتماعی مناسب فراهم نماید. از این رو نظارت بر رفتار مجرم در مدت تعلیق یکی از

ارکان تشکیل دهنده‌ی تعلیق توأم با مراقبت است. به‌علاوه اهمیت ویژه‌ی سرپرستی و ارشاد مجرمین در دوران تعلیق که به صورت انفرادی صورت می‌گیرد، نوعی کنترل قضایی محسوب می‌شود و به‌عنوان یک واکنش اجتماعی مبتنی بر درمان بالینی، راه را برای اصلاح و بازسازی مجرم هموار می‌کند. اما این تعلیق که متکی بر نظارت و ارشاد و راهنمایی مجرم در مدت معینی است، در عین حال نوعی عکس‌العمل جامعه نیز در جهت تعالی و تربیت مجرم خواهد بود. یا به‌عبارت‌دیگر، تعلیق توأم با مراقبت، گرچه کیفر جانشین مجازات محسوب می‌گردد، با وجود این، صرفاً یک مجازات نیست، بلکه شیوه‌ای برای اصلاح و تربیت شخص مجرم و یک تأسیس حقوقی قابل انعطاف در حل مشکلات جامعه است.

گفتار چهارم: مبنای قانونی و حوزه شمول آن

تعلیق اجرای مجازات در روزگار ما یکی از ابزارهای قضایی سیاست فردی کردن مجازات‌ها است. در آغاز آنچه بیش از هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای اشاعه‌ی اندیشه‌ی تعلیق فراهم ساخت محیط ناسالم زندان‌ها و دورنگهداشتن زندانیان، به‌خصوص محکومان بدوی از آثار سوء معاشرت با بزه‌کاران پیشینه‌دار بود. به‌تدریج تعلیق اجرای مجازات جایگزین مناسبی برای حبس‌های کوتاه‌مدت به‌شمار آمد؛ زیرا زندان‌های کوتاه‌مدت نه‌تنها محکوم‌علیه را در معرض همه‌گونه فساد زندان قرار می‌داد؛ بلکه به علت کوتاهی مدت، اثر مفید تربیتی نیز نداشت.

مبنای قانونی تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی موضوع فصل ششم از بخش دوم کتاب اول (مواد ۴۶ تا ۵۵) است که براساس ماده‌ی ۴۶ قانون مجازات اسلامی، تعلیق اجرای مجازات فقط شامل جرایم تعزیری درجه‌ی سه تا هشت است. یادآوری کنیم که قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲ جرایم را از حیث مجازات به هشت درجه تقسیم نموده است. بنابراین جرایم حدی و قصاص و دیات قابل تعلیق نیستند.

همچنین به موجب ماده‌ی ۴۷ قانون مجازات اسلامی، اجرای احکام جزایی را در جرایم ذیل، تعلیق ناپذیر شناخته است:

الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرایم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی، و اسید پاشی

پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه‌ی دیگر، جرایم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره‌ی مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده‌ی مواد مخدر یا روان‌گردان، قاچاق عمده‌ی مشروبات الکلی و قاچاق عمده‌ی سلاح و مهمات و قاچاق عمده‌ی انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و معاونت در محاربه و معاونت در افساد فی الارض

ج- جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال، «

گفتار پنجم: خصوصیات تعلیق مجازات

با توجه به تعریفی که از تعلیق مجازات ارائه شده است تعلیق مجازات در قانون مجازات اسلامی را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی نموده و مورد بحث قرار داد.

تعلیق مجازات حقی برای مجرم محسوب نمی‌شود؛ بلکه وسیله و ابزاری است که برای ارفاق و کمک به دادگاه واگذار شده است تا با اجرای آن مجرم، قابلیت بازگشت به زندگی اجتماعی را بدون تحمیل مجازات اجراز نماید.

تعلیق مجازات يك اغماض موقتی است و بستگی به وفاداری و اطاعت مجرم از اجرای دستورات دادگاه در مهلت مقرر در حکم دارد. تعلیق مجازات تأسیسی است که زمینه‌ی فردی کردن مجازات با شخصیت مجرم را فراهم می‌نماید و رابطه‌ی مستقیمی با نوع جرم و نوع مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی دارد به عبارت دیگر، دادگاه نمی‌تواند همه‌ی مجازات‌ها را معلق کند. معافیت قطعی مجرم برای عدم اجرای مجازات تعلیق شده منوط به حُسن رفتار محکوم مطابق دستور دادگاه در تمام مدت تعلیق است. در قانون مجازات اسلامی، تنها آن‌دسته از مجرمینی استحقاق این ارفاق را پیدا می‌کنند که برای نخستین بار مرتکب جرم قابل تعزیر درجه‌ی سه تا هشت شده باشند. در صورتی‌که مجرم در خلال مهلت قانونی تعلیق، مجدداً مرتکب جرم گردد، حکم تعلیق او لغو خواهد شد.

مبحث دوم: شرایط و آثار تعلیق

گفتار اول: ماهیت حقوقی تعلیق

بسیاری از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان معتقدند که با قبول فلسفه‌ی جدید اجرای مجازات که همان تأمین نظم عمومی و اصلاح مجرم از راه تربیت و آموزش است، در پاره‌ای از موارد اجرای مجازات و تحمیل مشقت بدنی یا زیان مالی به مجرم، چندان با فلسفه‌ی جدید مجازات سازگار نیست و گاهی نیز مغایر فلسفه و هدف اصلی اعمال مجازات به نظر می‌رسد و به همین دلیل شایسته است راهی انتخاب شود تا بتوان بهتر و بیشتر اهداف جدید مجازات را تأمین کرد این راه، همان تعلیق اجرای مجازات در باره‌ی مجرمانی است که به علت نداشتن سوء پیشینه‌ی کیفری یا زوال آثار آن، نه تنها از دسته‌ی مجرمان بالفطره و به عادت محسوب نمی‌شوند، بلکه گاهی سوابق خوب زندگی آنان معرف شخصیت قابل